نخستین کنسرت علی رهبری پس از کرونا

علی رهبری در آبان‌ماه نخستین کنسرت خود را پس از شیوع کرونا روی صحنه می‌برد. به گزارش ایسنا، این آهنگساز و رهبر ارکستر بین‌المللی جمعه(۱۴آبان) برای اولین‌بار بعد از پاندمی کرونا با ارکستر سمفونیک دولتی شهر ازمیر روی صحنه خواهد رفت. علی رهبری، مدیرهنری سابق ارکسترهای سمفونیک شهرهای بروکسل، پراگ، مالاگا، زاگرب و تهران در این کنسرت آثاری از پیوتر ایلیچ چایکوفسکی را اجرا می‌کند.

نمایشنامه احمدرضا احمدی به صحنه می‌رود

کوروش سلیمانی از اجرای نمایش «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷» نوشته احمدرضا احمدی در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر خبر داد. وی به مهر گفت: نمایشنامه به مفاهیم اصلی زندگی بشر می‌پردازد و اثری جذاب و دوست‌داشتنی و در جاهایی نیز طنز است که ردپای این نگاه را در اشعار احمدرضا احمدی هم می‌بینیم با همان نگاه دقیق، نازک‌اندیشی‌ها و تسلط بر کلمات.

اظهارات فرشاد مهدی‌پور درباره حکمرانی رسانه‌ای با استقبال کارشناسان مطبوعاتی روبه‌رو شد

تبدیل رسانه‌ها به نهادهای قدرتمند اقتصادی

سعید آجرلو
مدیرمسؤول روزنامه صبح نو

- در تمام دنیا و علی‌الخصوص در ایران بعد از گسترش شبکه‌های اجتماعی، محتوا زیر سایه فرم قرار گرفت اما بی‌تردید آگاهی و بینشی که توسط شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود نیاز حقیقی انسان را برآورده نمی‌سازد و کاذب است؛ به عبارت دیگر تکنولوژی علیه محتوا و معنا و حوزه‌های روشنفکری عمل می‌کند و رسانه‌ها و مطبوعات که جزو همین حوزه‌های روشنفکری هستند آسیب زیادی از این بابت دیده‌اند.
- افول مطبوعات، حاصل افول حوزه معنا و محتواست که به‌دلایل مختلفی چون گسترش تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی، ضعف رسانه‌های رسمی و میل افکار عمومی جامعه به حوزه‌هایی غیر از حوزه‌های معنا برمی‌گردد.
- بزرگ‌ترین وظیفه معاونت مطبوعاتی، بازسازی و اقتصادی کردن رسانه‌های عمومی است. مادامی‌که فضای کلی رسانه‌ها به بنگاه‌های اقتصادی که بتواند کسب درآمد کند (این کسب درآمد می‌تواند حاصل کمک‌های اولیه دولت باشد یا وام یا در قالب کارآفرینی و...) تبدیل نشود، حوزه محتوا و معنا درست نمی‌شود. در واقع نمی‌توانیم به‌صورت رانتی و صرفا دولتی، عقب‌ماندگی محتوا از شبکه‌های اجتماعی را جبران کنیم. روزنامه‌ها در ابتدا نیاز به اقتصاد قوی دارند و بعد از آن می‌توانند در جهت تولید محتوای غنی و آگاهی‌بخش گام بردارند.
- دولت باید برای تبدیل رسانه‌ها به نهادهای قدرتمند اقتصادی، بسترسازی کند تا از درون آنها بتوان محتوا و چهره و استعداد جدید را به عرصه‌های سیاسی و فرهنگی کشور وارد کرد.
- چاپ روزنامه‌های پرتیراژ به‌صورت رایگان یا وارد شدن رسانه‌های بزرگ به پلتفرم‌های شبکه اجتماعی با حمایت دولت ازجمله راهکارها برای آن است که مطبوعات بتوانند اقتصاد خودشان را بچرخانند.
- رسانه‌ها در دوران کرونا در حوزه خبری، آگاهی‌سازی، سرعت و دقت امتیاز بالایی می‌گیرند؛ چون خوب عمل کردند اما چقدر تحلیل و توصیف متفاوت از شرایط در دوران کرونا دیدیم؟ قطعا در مطبوعات به غیر از حوزه خبررسانی نیاز به حوزه‌های تحلیلی و عمیق‌تر داریم که بعضا مغفول مانده.
- معاونت امور مطبوعاتی باید به نهادی قدرتمند در وزارت ارشاد و دولت تبدیل شود و فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی رسانه‌ها عملکرد مثبتی در این حوزه داشته باشد.

حمایت از رسانه‌ها بدون توجه به جناح‌بندی

افشین امیرشاهی
سردبیر سابق روزنامه همشهری و روزنامه شهروند

- مبارزه با جهل و بی‌خبری، توسعه فرهنگی، راهنمایی و بالا بردن سطح افکار عمومی جامعه و ... از نقش‌های اصلی مطبوعات است.
- در شرایط کنونی رسانه‌ها تحت‌تأثیر وضعیت اقتصادی، گرانی کاغذ، مشکلات نشر، بی‌اعتمادی مخاطب و ... در رکود بی‌سابقه‌ای به‌سر می‌برند.
- معاونت مطبوعاتی راه سختی پیش‌رو دارد که جز با ایجاد همدلی و تشکیل اتاق فکرهایی متشکل از افکار و عقاید مختلف به سرانجام نمی‌رسد.
- ایشان باید در عین داشتن ویژگی‌هایی چون انتقادپذیری، صبر و آستانه تحمل بالا به آزادی بیان، استقلال عمل خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اعتقاد داشته باشد و ضمن مشروعیت بخشیدن به آنها از رسانه‌هایی که در ابراز نقدهای اجتماعی جسارت به خرج می‌دهند دفاع کند.
- در تخصیص یارانه به روزنامه‌ها و سایر فعالیت‌هایشان شفافیت داشته باشند.
- مسؤولان وزارت ارشاد ارتباط‌شان را با رسانه‌ها بدون توجه به جناح‌بندی‌ها بیشتر کنند.
- همواره در مطبوعات شاهد خط قرمزها بوده‌ایم. حالا این خط قرمزها مواقعی پررنگ، مواقعی کم‌رنگ و گاهی حتی تغییر هم می‌کند و معاون مطبوعاتی باید فارغ از سلیقه شخصی خودش، در یک چارچوب استاندارد و با نگاهی مستقل فعالیت کند.
- گرانی کاغذ معضلی است که کمر مطبوعات را شکسته، آن هم در شرایطی که مطبوعات با رقیب قدرتمندی مثل شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو هستند.
- اصل ۲۴ قانون اساسی و برخی دیگر از اصول قانون اساسی به تبیین حدود آزادی نشریات و مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند؛ بنابراین واجب است آقای مهدی‌پور ضمن توجه به این اصول در تحقق آزادی اطلاعات در جوامع بکوشند.
- مطبوعات باید صدای مردم و تجلی خواسته‌ها و نیازهای آنها باشد اما امروز مطبوعات از مردم و شبکه‌های اجتماعی عقب افتاده‌اند و محافظه‌کاری‌های بعضا نابجا ضربه شدیدی به آنها وارد کرده. به نوعی ارتباط دوسویه بین مردم و مطبوعات قطع شده و اکثر روزنامه‌ها بی‌اثر شده‌اند. روزنامه‌ها اثرگذاری را که در گذشته بر افکار عمومی داشتند دیگر ندارند و همین مسأله انگیزه خیلی از روزنامه‌نگاران را از بین برده است.

لزوم تقویت رابطه مطبوعات با ۳ قوه

دکتر امیدعلی مسعودی
مدیر مسؤول اسبق هفته‌نامه «دوستان» و مدیر گروه ارتباطات دانشگاه سوره

- مطبوعات ایران از امکانات بسیار کمی بهره می‌برند؛ از گرانی کاغذ و لوازم چاپ روزنامه‌ها گرفته تا موانع و محدودیت‌های حقوقی و حرفه‌ای همگی از مشکلاتی است که باعث می‌شود مطبوعات نسبت به وظیفه اصلی‌شان کم توجه باشند.
- توجه و ارزیابی نحوه عملکرد رسانه‌های الکترونیکی در این حوزه بسیار مهم و ضروری است.
- وضعیت روزنامه‌نگارانی که به‌صورت کارمزدی با مطبوعات همکاری می‌کنند، نگران‌کننده است. آنها معمولا قرارداد شغلی و بیمه ندارند و در نتیجه از ثبات شغلی برخوردار نیستند و دائما بین رسانه‌های مختلف سرگردان هستند.
- بومی‌گرایی و تمرکززدایی از تهران به منظور نگاهی عادلانه به رسانه‌های مختلف در کشور از مسائل بسیار مهمی است که می‌تواند به ارتقای فضای رسانه‌ای کمک کند. به عبارت دیگر باید فضایی را ایجاد کنیم که روزنامه‌های محلی توسعه بیشتری پیدا کنند.
- تخصیص وام‌های کم‌بهره و بلاعوض به روزنامه‌نگاران. در خیلی از کشورهای دنیا، حمایت‌های ویژه‌ای برای روزنامه‌نگاران درنظر گرفته شده، چون روزنامه‌نگاری شغلی است که یک کار عام‌المنفعه و دارای خیر عمومی تلقی می‌شود و به همین دلیل از تسهیلات و امکانات خاصی برخوردار است یا مثلا مشمول معافیت‌های مالیاتی و ... می‌شود.
- ساختار مطبوعات ما ضعیف است و نیاز به حمایت دولت دارد و تا زمانی‌که از حمایت‌های دولتی برخوردار نباشد امکان تولید محتوا برای جامعه ندارد.
- گرچه بسیاری از روزنامه‌نگاران فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها هستند اما در طول زمان نیاز به آموزش‌های جدید و به‌روز دارند. این به‌روزرسانی خبرنگاران باید از طریق مراکز تخصصی یا وبینارهای تخصصی فراهم شود.
- خانه‌های مطبوعات در سطح کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تشکل‌های صنفی خبرنگاران باید بیشتر تقویت شود و خود اصحاب رسانه نیز با مشارکت در انتخابات این خانه به تقویت آن کمک کنند. تشکیل انجمن‌هایی تخصصی ذیل این خانه و برگزاری دائم دوره‌های آموزشی مؤثر، می‌تواند به پرورش خبرنگاران کمک کند.
- مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای دچار رکود بی‌سابقه‌ای در انتشار کتاب، برگزاری دوره‌های آموزشی و ... شده که باید دوباره فعال شود.
- ضرورت ایجاب می‌کند که مطبوعات رابطه‌شان را با هر سه قوه بیشتر کنند.

آجرلو:
معاونت امور مطبوعاتی باید به نهادی قدرتمند در وزارت ارشاد و دولت تبدیل شود و فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی رسانه‌ها عملکرد مثبتی در این حوزه داشته باشد

فیلمبرداری شد. حضورهایی که گاهی هم با اعتراضات و نگرانی‌های میراثی مواجه می‌شود و بعضی از گروه‌های فیلمسازی چندان در این فضاهای تاریخی ملاحظه نمی‌کنند و آسیب‌هایی به ابنیه وارد می‌کنند.

پروژه ما به‌دلیل همزمانی با فیلمبرداری یکی از همین پروژه‌ها به تعویق افتاد. آن پروژه و ساخت آثاری قبل از این در خانه طباطبایی‌ها باعث تغییراتی در آن محیط تاریخی شده بود و میخ‌هایی در دیوارهای بنا به‌چشم می‌خورد.

یعنی از دکور و سازه‌های نمایشی استفاده نمی‌کردند و مستقیم تغییرات را در خود دیوارها اعمال می‌کردند؟

دکور را ساخته بودند اما در بعضی جاها که امکان قرارگرفتن دکور در آنها وجود نداشت به‌ناچار میخ‌هایی را به دیوار کوبیدند یا از چسب‌های دوطرفه مستحکم استفاده می‌کردند. به هرحال کارکردن در این فضاهای تاریخی و دریافت مجوز برای ساخت آثار در آنها خیلی سخت است. خانه طباطبایی‌ها و حمام سلطان امیراحمد زیرنظر میراث فرهنگی نیست و زیرنظر سازمان شهرداری کاشان است. باغ فین و خانه بروجردی‌ها و تپه‌های سیئلک زیرنظر میراث است. میراث فرهنگی در این زمینه خیلی سرسخت‌تر است اما سازمان فرهنگی و هنری شهرداری همراهی بیشتری داشت چون هم حامی مالی بخشی از پروژه بود و هم مدیریت ابنیه‌ها با آنهاست. با این حال سعی کردیم، موقع کار در این ابنیه، مراقبت‌ها و ملاحظاتی داشته باشیم. برای همین پارچه‌های ترمه سبک خریدیم و آنها را با چسب حرارتی به دیوار می‌زدیم تا به‌راحتی کنده شود و آسیبی به بنا وارد نشود حتی پرده‌ها را هم با چسب دوطرفه روی چوب می‌چسباندیم اما خیلی‌اوقات سر لوکیشن، پرده‌ها می‌افتادند چون استحکام نداشتند.

باتوجه به ساخت سه سریال مرتبط با دوره تاریخی قاجار و حکومت ناصرالدین‌شاه و شخصیت‌ها و ماجراهایش (جیران، آهوی من مارال و قبله‌عالم) ظاهرا باید شما را هم ضلع چهارم این توجه دانست.

قبله‌عالم ساخته آقای حامد محمدی که از دور رقابت خارج شد، الان آن دو سریال دیگری که در حال ساخت است به دو دوره مختلف زندگی ناصرالدین‌شاه می‌پردازد. آهوی من مارال که به دوران پایانی زندگی او می‌پردازد و جیران هم دوران جوانی او را به‌تصویر می‌کشد. حالا فیلم امیرکبیر در خون هم رقیب این آثار است و رضا نوروزی در نقش امیرکبیر و مسعود فدایی در نقش ناصرالدین‌شاه بازی می‌کنند. خیلی جالب است که حدودا در یک زمان، چهار اثر نمایشی به دوره قاجار و ناصرالدین‌شاه پرداخته‌اند.

اتفاقا از منظری انتقادی این سوال مطرح است که آیا هیچ برهه تاریخی دیگری در ایران وجود ندارد که سه و حالا با اثر شما چهار پروژه یکباره به روایت دوران حکومت ناصرالدین‌شاه علاقه‌مند شده‌اند؟

بله، این هم نکته قابل‌تاملی است؛ البته من انگیزه آن دوستان را نمی‌دانم اما شکل مواجهه کارگردان‌های این آثار با این برهه تاریخی متفاوت است. از آنجایی که آقای حسن فتحی معمولا کارهای عاشقانه می‌سازد در جیران هم سراغ رابطه ناصرالدین‌شاه با سوگلی‌اش رفته است. آقای حامد محمدی هم در قبله‌عالم صرفا به بعد طنز و خنده‌آور ناصرالدین‌شاه نظر داشت و می‌خواست با استفاده از الگوی قهوه تلخ، اثری کمدی بسازد اما متاسفانه شکست خورد. آقای مهرداد غفارزاده هم از بعد سیاسی و اجتماعی به ناصرالدین‌شاه نگاه می‌کند. من هم به بعد سیاسی و اجتماعی امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه پرداختم. دلیل این توجه زیاد و همزمان هم این است که اتفاقات عجیب تاریخی از زمان قاجار در ایران شروع می‌شود و رقم‌زننده اصلی اینها هم ناصرالدین‌شاه است. از آنجایی که مخاطبان در سال‌های اخیر بیشتر از قبل به تاریخ و آثار تاریخی علاقه‌مند شده‌اند، خواهش می‌کنم مستندسازان حرفه‌ای هم بهای بیشتری به تاریخ بدهند چون الان این مساله یک نیاز امروزی است و مردم باید از تاریخ خود آگاه باشند. موضوع قتل امیرکبیر نزدیک به یک قرن از مردم پوشیده ماند و فکر می‌کردند او به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. سندش موجود است و کافی است نشریه وقایع‌اتفاقیه را که بعد از قتل امیرکبیر منتشر شده، بخوانید. یک هفته بعد از قتل او در وقایع‌اتفاقیه که خود امیرکبیر بانی تاسیس آن بوده، می‌نویسند: «ملت شریف ایران، میرزاتقی‌خان حال ندار است و به بیماری صرع و ورم پا مبتلا گشته. عده‌ای از دربار به عیادت ایشان رفته‌اند. از شما خواهشمندیم در حق وی دعا کنید.» این درحالی است که امیرکبیر از دنیا رفته و او را خاک هم کرده‌اند. در نسخه دوم وقایع‌اتفاقیه و یک ماه بعد چه نوشتند؟ درد تاریخ همین است که تنها یک خط و نیم نوشتند: «ملت شریف ایران، دیشب میرزا تقی‌خان امیرنظام در فین کاشان به علت ورم پا درگذشت.» حتی فریدون آدمیت هم در چاپ اول کتابش این اسناد را منتشرکرده و اشاره به مرگ طبیعی امیرکبیر دارد اما بعدها و پس از چند سال بریتانیا برای اولین‌بار نامه مهرشده ناصرالدین‌شاه را برای قتل امیرکبیر منتشرکرده و می‌گوید امیرکبیر طبق دسیسه‌ای به قتل می‌رسد. در واقع انگلیسی‌ها با این کار، دسیسه را از روی دوش خودشان برمی‌دارند و روی دوش مهدعلیا می‌گذارند. آقای معتضد به همه این مسائل در مستند ما اشاره می‌کند.

هنر هفتم

نیازمند یک کاخ انقلابی هستیم

دلیل انتقاد رئیس سازمان سینمایی در اختتامیه جشنواره فیلم کوتاه چیست؟

علی رستگار
سینما

رئیس سازمان سینمایی در مراسم پایانی سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به‌عنوان یکی از سخنرانان روی صحنه رفت و از نیاز سینمای ایران به بازسازی انقلابی گفت و روی تحول همراه جوان‌سازی تاکید کرد. محمد خزاعی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: نیاز است از مدل الگوگیری و مصرف‌گرایی صرف محصولات سینمای جهان فاصله بگیریم و تصویر خودمان را به جهان عرضه کنیم؛ تصویری از زیبایی‌ها، اسطوره‌ها و تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین‌مان. به‌عنوان مسؤول سینمای ایران در دوره جدید به‌صراحت اعلام می‌کنم برای بازسازی و معماری نوین سینما به حضور شما جوانان فیلمساز متعهد به فرهنگ ایرانی و اسلامی و ظرفیت‌های نوظهور و انقلابی نیاز داریم و در این راستا از هیچ‌گونه تلاشی برای حمایت و تقویت سینمای انقلابی، سینمای کوتاه خلاق، جسور، کنجکاو، اخلاقمند و خانواده‌گرا دریغ نخواهیم کرد.

خزاعی بعد از این صحبت‌های ارزشمند یک‌بار دیگر روی صحنه مراسم اختتامیه جشنواره فیلم کوتاه حاضر شد اما حضور دوم از جنس حضور اول نبود و با انتقاد تندی همراه بود و باعث شد رئیس سازمان سینمایی، سالن برگزاری مراسم را ترک کند. خزاعی، سیدصادق موسوی، دبیر جشنواره فیلم کوتاه را خطاب قرار داد و گفت: از آقای موسوی خواهش می‌کنم مجوز مجزایی برای جشنواره فیلم کوتاه ایران‌مال بگیرند و یک مجوز برای برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران، خواهش می‌کنم حرمت و صمیمیت جشنواره را حفظ کنند، من امشب حس کردم جشنواره ایران‌مال برگزار می‌شود! این بد است. بچه‌های ما باید سادگی را یاد بگیرند، اینجا مدام فیلم‌های تبلیغاتی ایران‌مال پخش شد و یک مجوز جداگانه برای فیلم کوتاه ایران‌مال بگیرید!

حالا می‌توانیم این گلایه را به همان حضور اول خزاعی و صحبت‌هایش درباره نیاز سینمای ایران به بازسازی انقلابی برگردیم. سال‌هاست یکی از نیازهای اساسی سینمای ما یک کاخ است؛ نه از آن کاخ‌های سلطنتی و اشرافی مغایر با نگاه انقلابی بلکه محلی مناسب و دائمی برای برگزاری جشنواره‌های مهم و معتبر سینمایی ایران همچون جشنواره فیلم فجر، جشنواره سینماحقیقت، جشنواره فیلم کوتاه تهران، جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، جشنواره پویانمایی و....

از مدیری انقلابی و عملگرا چون محمد خزاعی انتظار می‌رود یک‌بار برای همیشه این معضل بزرگ و اساسی در سینمای ایران را حل کند تا جشنواره‌های مهم و معتبر سینمایی ما از این «اجاره‌نشینی، خوش‌نشینی» اجباری خلاص شوند و همه سینماگران و علاقه‌مندان سینما، پاتوق مناسب و همیشگی در جشنواره‌ها داشته باشند؛ محلی که حتی در طول سال و فارغ از تقویم‌های جشنواره‌ای هم به کار بیاید و بتوان سینماتک‌ها، کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی را آنجا دنبال کرد. وجود یک محل ثابت برای جشنواره‌های سینمایی به دغدغه همیشگی و هرساله برگزارکننده‌های این رویدادها جهت رایزنی با سینماها، پردیس‌ها و نهادهای مختلف غیرسینمایی و هزینه‌کردهای سرسام‌آور مالی و موارد گلایه‌آمیزی چون نمونه متاخر پایان می‌دهد. آیا هزینه جابه‌جایی‌های هرساله جشنواره‌ها در سال‌های اخیر و بلاتکلیفی آنها که گاه تا آخرین روزهای قبل از جشنواره ادامه دارد، مدیران ارشاد و متولیان سازمان سینمایی را به صرافت اهتمام جدی‌تر برای برپایی یک کاخ دائمی برای جشنواره‌های سینمایی نینداخته است؟ شاید تعطیلی چند دوره این جشنواره‌ها یا تعطیلی یک‌ساله همه جشنواره‌های سینمایی و جایگزینی هزینه‌کرد آنها برای ساخت یک محل ثابت برگزاری این رویدادها، توقع نابجایی باشد اما دست‌کم در ردیف بودجه ارشاد و سازمان سینمایی می‌توان آن را لحاظ کرد و جزو اولویت‌های اصلی قرار داد و اگر جز این باشد تا اطلاع ثانوی هر میزبانی، بسته به ظرفیتش به فخرفروشی به مهمان و به رخ کشیدن ظرافت‌ها و جلوه‌های منزلش ادامه خواهد داد.